

نمایشگاه سیب سوم یحیی دهقانپور در گالری آران، نتیجه‌ی یک سری بازی با ابزار است. تمامی عکس‌ها تصادفی و اتفاقی به وجود آمده و ابزار بیشتر از عکاس در شکل‌گیری عکس‌ها نقش داشته!

آنچه مخاطب با دیدن آثار متوجه می‌شود، نوعی بهم ریختگی، تشویش و نظم در عین بی‌نظمی است. تصاویری که بارها و بارها در هم شکسته شده‌اند می‌توانند نشانی از روزمرگی باشند.

از طرفی کج شدن و شکسته شدن عناصر در تصویر حس بی‌ارزش شدن را منتقل می‌کند. در نگاه اول با جذابیت بصری مواجهیم اما با دقت بیشتر در عکس‌ها حسی از سرگیجه و پوچی توامان خواهیم داشت.

گرچه پیش‌تر گفته شد ابزار نقش اساسی را در شکل‌گیری عکس‌ها برعهده داشته، اما قطعا انتخاب موضوع بر عهده‌ی عکاس بوده. آنچه در عکس‌ها می‌بینیم بیشتر ساختمان‌ها، فضای شهری، خیابان و ماشین‌ها هستند اما در بین آن‌ها چند قاب هم به هواپیما و شخصیت ترامپ اختصاص یافته. در بین ساختمان‌ها شاهد ساختمان کلیسا هم هستیم.

این نوع انتخاب کمی مغرضانه به نظر می‌رسد و قصد عکاس را روشن‌تر می‌سازد: عکاس حس انزجار نسبت به موضوعاتش داشته. شاید عکاس خواسته با این روش تمامی آنچه را که نمی‌خواهد، خورد کند و درهم بشکند تا بتواند طرحی نو از دل آن بیرون بکشد.

و اما نام نمایشگاه ارتباط مستقیم با شکل‌گیری آن داشته، سیب سوم که اشاره‌ای مستقیم به برند *apple دارد نشان می‌دهد که عکاس با این نام‌گذاری خواسته ادای دینی کند به ابزاری که باعث به وجود آمدن این نمایشگاه شد.

(*) سه سیب در طول تاریخ نقش به سزایی ایفا کرده‌اند. سیبی که آدم و حوا خوردند، سیبی که بر سر نیوتون افتاد، و سیب سوم که استیو جابز برای جهانیان به ارمغان آورد و از خود به یادگار گذاشت. این که طرفدار اپل باشیم یا نباشیم، این که محصولاتش را دوست داشته باشیم یا نداشته باشیم، مهم نیست. این مهم است که جهان یک مرد خلاق، مبتکر و نوآور را از دست داده است. مردی که روح یک محصول، شرکت و راهنمای تعداد بیشماری از طرفدارانش بود. مردی که حتی اسم او وزنه سنگینی برای سیب گاز زده جهان بوده و خواهد بود. روح شاد استیو.

متن پیام بیل گیتس برای درگذشت استیو جابز)